

# گفتگو با خانم مریم مؤذنی برپا کننده نمایشگاه تاریخ



گفتگو از: مسعود جوادیان

اشاره: چندی پیش مطلع شدیم که در دبیرستان شهید رجایی یک نمایشگاه تاریخ برگزار شده است. این نمایشگاه که گوشه هائی از آن را در تصویرها می بینید به همت دبیری زحمت کش و کوشا برپا شده بود. در نمایشگاه مذکور ابزارهای کمک آموزشی نظیر تصویرها و ماکت هائی از آثار تاریخی، کتاب، ظروف، تابلوهای نقاشی و بسیاری چیزهای دیگر فراهم آمده بود. شوق و علاقه خانم مؤذنی آن هم در سال های پایانی خدمت رسمی، آموزنده بود.

در این گفتگو که در محل نمایشگاه برگزار شد، علاوه بر خانم مؤذنی، آقایان مهین معاون محترم اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۲ (که برای بازدید از نمایشگاه در محل حضور یافته بودند) صادقی کارشناس گروه های آموزشی و نیز آقایان نوروزی و متولی کارشناسان محترم گروه های تاریخ و علوم اجتماعی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی حضور داشتند که بدین وسیله از ایشان سپاسگزاری می شود.

□ اگر ممکن است خودتان را معرفی کنید.

■ من مؤذنی هستم از گروه تاریخ منطقه ۱۲. خدمت آقای صادقی و آقای مهین انجام وظیفه می کنم. تحصیلات من لیسانس تاریخ است (از دانشگاه اصفهان) و در سال ۶۰ فارغ التحصیل شده ام. سابقه کارم ۲۷ سال است. از اوکی که رشته تاریخ را انتخاب کردم علاقه شدیدی به مسائل تاریخ مملکت خودم داشتم. حتی در خانه خودم اکثر آرزوهای سفالی استفاده می کنم. من واقعاً شیفته سنت و تاریخ ایران هستم و آنچه که در خانه من است همه اش یا در ارتباط با اسلام است یا در ارتباط با تاریخ. برای دانش آموزانم نیز تا آنجایی که بتوانم به خصوص تاریخ پر عظمت ایران را تشریح می کنم حالا اگر دوره پادشاهی هم بود و به مردم ما هم ظلم و ستمی وارد شده و یا در کار پادشاهان هم ضعفی وجود داشته بحث دیگری است، هرچند در بعضی جاها هم آنها را بیان می کنم.

وقتی که من تاریخ درس می دهم بچه ها می گویند ما احساس می کنیم فیلم می بینیم، بعد تازه کار درس هم که تمام می شود به صورت نقاشی روی تابلو برای آنها توضیح می دهم.

□ روش تدریس تان چه گونه است؟

■ مثلاً فرض کنیم می خواهم درباره قاجارها درس بدهم. ابتدا اصل

و نسب خاندان قاجار را توضیح می دهم. می گویم طایفه ای از ترکان بودند در استرآباد زندگی می کردند، موقع حمله مغول به ایران آمدند، مدتی در جرگه قزل باش ها درآمدند و همین طور هشت مورد را به بچه ها می گویم (که البته همان طور که می دانید در کتاب جدید تنها ۲ مورد ذکر شده) بعد می آیم سر مسئله پایان زندگی کریم خان زند

□ معذرت می خواهم. من منظورم این بود که برای آموزش از چه وسایلی و امکاناتی استفاده می کنید؟

■ من سر کلاس از نقشه تاریخی که در مدرسه مان است استفاده می کنم. نقشه تاریخی و سیاسی زمان قاجار را می آورم سر کلاس و نصب می کنم به تابلو و روی آن



بزنند و سراپا گوش هستند و من آن گونه درس نمی دهم که دانش آموز فکر کند کتاب است (خیلی روان و به همراه طنز) کاری می کنم که دانش آموز فکر کند قصه می گویم و یا فیلم تعریف می کنم و آنها خیلی خوب یاد می گیرند. برای این که دانش آموز از درس خسته نشود راه های مختلفی وجود دارد، مثلاً من گاهی فیلم تاریخی برایشان نشان می دهم و یا اگر «عکسی» باشد آن را به کلاس می برم، خلاصه خشک و خالی کلاس را برقرار نمی کنم.

□ آیا شما وقت کم نمی آورید؟

■ من در مورد تاریخ سوّم پیشنهاد کردم و گفتم با توجه به این که معمولاً اینها به خاطر تعطیلات عید، زمان کم می آورند و بایستی با اینها برای کنکور بیشتر کار کرد زمان درس تاریخ را زیاد کنید و مدیر ما این ترم از من پذیرفتند که سالهای دیگر برای تاریخ ساعت اضافه در نظر بگیرند و البته بچه ها خودشان بودجه این کار را می دهند و امسال هم با این که با کمبود وقت روبه رو بودیم من ۱۰۰٪ قبولی در نهایی داشتیم در حالی که مدارس دیگر ریزش بسیار داشتند.

□ شما فکر می کنید چرا دانش آموزان باید درس تاریخ را بخوانند؟

درس را توضیح می دهم. و من روشم نوشتن است یعنی از گنج و تخته استفاده می کنم و همین طور نموداری که در اینجا دیدید بایستی به هنگام تدریس تاریخ موجود باشد که دانش آموزان رسم نمودار را فرا بگیرند منتهی هر سلسله سر جای خودش. مثلاً ۸ موردی که الان خدمت شما گفتم روی تابلو سریع می نویسم و بچه ها به قول خودشان آنقدر مشتاق هستند که همه چیز را یادداشت می کنند و هر چه به آنها می گویم بچه ها بعد سؤال اضافه می دهم شما فقط گوش بدهید آنها عاشقانه یادداشت برمی دارند.

□ یعنی شما صرفاً می خواهید بچه ها سر کلاس درس را گوش دهند و ضمن تدریس تان از آنها چیزی نمی پرسید؟

■ بله. یک مقدار که تدریس می کنم می گویم خوب حالا یک دقیقه تا دو دقیقه استراحت کنید. بعد از آن می گویم بچه ها خوب چه مطالبی را من درس دادم و از آنها می خواهم درس را برای من توضیح بدهند. اکثراً من می بینم بچه ها فی البداهه یاد می گیرند، کم بوده توی یک کلاس که بچه ها درس را با علاقه گوش ندهند. چون خیلی روان و ساده و به اصطلاح، خودمانی درس می دهم و حتی بعضی اوقات برای این که کلاس خشک نباشد دوسه تا از طنزهای ناصرالدین شاه را برای آنها تعریف می کنم. من تاریخ را به این صورت یاد می دهم و بچه های دبیرستان حضرت فاطمه (س) که می دانید از دبیرستان های عادی است تمام نمرات شان به جز از ۲ و ۳ نفری که ۱۷ گرفته بودند بالای ۱۸ بوده است. و من یک مجموعه متشکل از ۴۰۰ سؤال و جواب به آنها داده ام و گفته ام کمک درسی است و بعد به آنها گفته ام ریز به ریز مطالب را می خواهم چون من از فضای کتاب گسترده تر درس می دهم.

□ منظور شما از ریز به ریز مطالب چیست؟ یعنی می خواهید بچه ها مطالب را از حفظ باشند؟

■ خیر. می خواهم آنچه را که من می گویم بفهمند. منتهی آنچه را که خارج از کتاب به آنها درس می دهم از آنها نمی خواهم. به خصوص رشته های ریاضی و تجربی را. ولی در رشته انسانی حقیقتاً یک مقدار سخت گیری می کنم، یعنی مانند کنکور کار می کنم، بعضی از جلسات، امتحان کتبی می گیرم؛ همه جلسات پرسش شفاهی دارم و یک هفته در میان هم تست کنکور با آنها کار می کنم، و امسال از مدرسه مان خواسته ام که کلاس های تجربی و ریاضی به من ندهند و از بچه ها خواسته ام که حرفهای من را گوش بدهند و در عوض من هم تضمین کرده ام که در کنکور از درس تاریخ نمره بالا بگیرند.

□ شما احساس می کنید بچه ها در کلاس درس تان به تاریخ علاقه مند می شوند و یا صرفاً رفع تکلیف می کنند که نمره بگیرند؟ یعنی فرض کنیم شما روز اول برای آنها تضمین می کنید که همه آنها نمره ۱۸ بگیرند، آیا فکر می کنید به درس علاقه نشان می دهند یا اینکه فقط بخاطر نمره درس را گوش می دهند؟

■ من حقیقتاً به آنها نگفته ام که اگر درس را هم نخوانید نمره ۱۸ می گیرید ولی خوب هنگامی که درس می دهم ندیدم بچه ها حرف

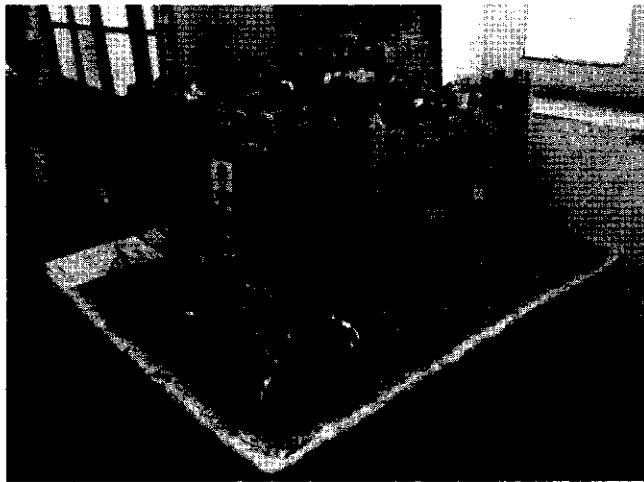


■ هر انسانی بایستی مملکت خودش را بشناسد و ما در درس تاریخ، فراتر از تاریخ کشور خودمان نرفته ایم. به نظر من اگر کسی دکترا داشته باشد و به خارج کشور هم برود اگر اطلاعی از تاریخ و گذشته کشورش نداشته باشد واقعاً جای تأسف دارد.

□ شما از چه زمانی و چه شد که به فکر تشکیل چنین نمایشگاهی افتادید؟

■ از زمانی که آقای صادقی با من تماس گرفتند و پیشنهاد همکاری با گروه تاریخ منطقه را مطرح کردند. من رفتم خدمتشان و همان هفته اول ایشان از من خواستند کارهایی را که می خواهم در یک سال انجام دهم بنویسم و چون در زمینه نقاشی تاریخی پیشنهاد کردم،

ایشان از من خواستند که کاری را بگویم که از عهده انجام آن برآیم. من برای این که ایشان را از انتخاب شان مأیوس نکنم حداکثر تلاشم را کردم و فکر این را نکردم که چقدر حقوق می گیرم. من با گروه فقط یک روز در هفته همکاری دارم در صورتی که برای ارائه کاری بهتر، سه روز دیگر را در منزل به این کار می پردازم و گفتم نسبت به وظیفه ای که



به گروه و منطقه و تاریخ کشورم دارم سنگ تمام می گذارم. بعد از آن دیگر از مهرماه بخشنامه کردیم و به مدارس رفت و تا آبان ماه این کار به طول انجامید و به مدارس گفتیم که تا ۱۵ آذر به ما اطلاع بدهید که مایلید در نمایشگاه شرکت کنید یا خیر. ۱۵ آذرماه چندتایی از مدارس نامه داده بودند که تعدادشان به ۵ تا هم نمی رسید. من حقیقتاً وقتی دیدم علاقه مند خیلی کم است پشت خودم را خالی دیدم این بود که گفتم باید کفش آهنی بپوشم و شبانه روزی کارم را به انجام برسانم. با توجه به بخشنامه ای که اداره کل برای ما فرستاد مبنی بر این که مقداری از نمره را برای کار عملی بچه ها قرار دهیم، ۲ نمره را برای کار عملی بچه ها قرار دادیم منتهی کار عملی راهم، کارهایی قرار دادم که به درد دروسشان بخورد و این کارها برای بچه ها هزینه ای نداشته است زیرا که من هزینه ها را اغلب خودم قبول کردم گفتم شجاعاً در مقابل پدر و مادر بچه ها مسئولم و شاید آنها راضی نباشند. بنابراین تمامی اجناس را خودم خریدم با خود گفتم باز نشسته می شوم و یک یادگاری از من در گروه باقی می ماند. البته یک دفعه شنیدم که قرار است به علت کم استقبالی از نمایشگاهها از برپایی آن ها صرف نظر کنند. بنابراین خیلی خواهش کردم که این کار را با نمایشگاه تاریخ نکنند و بالاخره با تقاضایم موافقت شد.

□ آیا از همکاران نیز کسی در این زمینه (تشکیل نمایشگاه) کمک تان می کرد؟

■ از دبیران تاریخ فقط خانم گلستانی یک روز به خاطر این که مدرسه اجازه نداد به نمایشگاه بروم به جای من آمدند. ولی آقای صادقی کماکان کمک کردند ولی در تشکیل این جا کسی به من کمک نکرد، از آقای صادقی نظرخواهی کردم ولی همه کارها به عهده خودم بوده، ایشان قبل از تشکیل نمایشگاه به ما سر می زدند و من با این که ایشان استادم هستند از خط زیبایشان برای نوشتن نام مدارس کمک گرفته ام. برای سایر کارها از قبیل کوبیدن تخته و سایر وسایل به دیوارها از پسران که در کاشان دانشجو هستند کمک گرفتم و پسران یک هفته مرخصی گرفتند و گاهی تا ۱۱ و ۱۲ شب این جا مشغول کمک به من بودند و همین طور دخترانم، برای تشکیل این جا خیلی

زحمت کشید.

□ لطفاً به طور خلاصه بفرمایید چه طور توانستید توجه و همکاری دانش آموزان هنرستان را برای تشکیل این جا جلب کنید؟

■ اینها چندین بار آمدند این جا و این کارهایی را که من به در دیوار زده بودم دیدند و یک شوقی در آنها به وجود آمد و گفتند خانم مؤذنی آیا این نمایشگاه فقط برای دختران است؟ گفتم نه. همه

دبیرستان ها می توانند شرکت کنند و آنها گفتند ما نمی دانستیم اکنون به ما بگوئید چه کمکی می توانیم بکنیم؟

گفتم تنها کاری که شما می توانید انجام دهید این است که یک قهوه خانه سنتی درست کنید و من هم به شما کمک می کنم. بچه ها خودشان صندلی ها را از خانه هاشان آوردند من خودم هم فرش و گلیم آوردم و تا توانستم کمک شان کردم و بر کارشان نظارت داشتم. در ضمن باید بگویم کارهای نقاشی و انواع و اقسام کارهای دیگر، یک مقدارشان از آن خودم است و بقیه را دانش آموزان خودم آورده اند ولی تابلوهای نقاشی تاریخی را شخصاً چند دفعه رفتم به دبیرستان هنرهای تجسمی و تهیه کردم. با این که آنها خودشان را از آموزش و پرورش یک کمی غریبه می دانستند ولی من خیلی به آنها بها دادم و گفتم همه چیز این مملکت برای بچه هایش است چه در هنرستان و چه در دبیرستان. معاون آن مدرسه نیز با من همکاری کرد و آقای نبی را به من معرفی کرد. این آقای نبی یکی از دانش آموزان آن مدرسه است که حتی می خواست ترک تحصیل کند من یک جلسه کار روانشناسی روی این بچه انجام دادم به او گفتم هنرش واقعاً ارزش مند است و یک هنرمند اگر سواد نداشته باشد هیچ ارزشی ندارد. در نتیجه این آقا جذب صحبت های من شد و گفت هر روزی که بخواهید من کمک تان می کنم.

□ آیا نمایشگاه شما در طول این مدتی که برگزار گردید از استقبال دانش آموزان برخوردار بوده؟

■ دبیرستان های دخترانه خیلی استقبال کردند ولی دبیرستان های





آموزشی منطقه تهیه شده و بقیه از کتب شخصی خودم و تعدادی هم از چند دانش آموز دبیرستان حضرت فاطمه (س) بوده است؛ نقاشیهای نفیس، کار دانش آموزان هنرستانهای تجسمی پسران و دختران بوده؟ ماکتها از مدارس مختلف از جمله دبیرستان حضرت فاطمه (س) عنبرت و حضرت زهرا (س) و غیره است. نوشته ها، نمودارها، آلبوم ها و خیلی از هزینه ها را به عنوان معلمی علاقه مند به تاریخ و سرگروه تاریخ منطقه ۱۲ خوشحالم که از هزینه شخصی خود صرف نموده ام ولی روی هم رفته از گروه های منطقه ۱۲ سپاسگزارم که اجازه چنین کاری را به من دادند. در زمینه برپائی نمایشگاه کمک مالی گروههای آموزشی منطقه ۱۲ از جهت پذیرائی، تهیه فیلم، هزینه های مختلف ایاب و ذهاب و کلاً تدارکات را هزینه نموده اند، ولی وسایل کمک آموزشی را در شکل های مختلف خود هزینه کرده ام که به عنوان یک ایرانی خوشحالم و کار مهمی هم انجام نداده ام چرا که انسانهایی برای زنده نگاه داشتن تاریخ ایران و سربلندی وطن خود از جان گذشتند پس عمل من در مقابل آنها بسیار ناچیز است.

از سایر همکاران محترمی که در برپائی این نمایشگاه به ما یاری رساندند سپاسگزارم، همچنین از شما که در این آخرین روز نمایشگاه به محض اطلاع تشریف آوردید و بنده را مورد تشویق قرار دادید.

ما هم از این که لطف کردید و توضیحات لازم را در اختیارمان قرار دادید سپاسگزاریم و امیدواریم شما نمونه عینی برای سایر همکارانی باشید که همواره از مشکلات و موانع خویش گله مند هستند.



پسرانه کمتر، چون اغلب آنها هنرستانی هستند با این حال از هنرستان تجسمی آمدند همین طور هنرستان های مالک اشتر و شهید فروندی. فکر می کنید یک دانش آموز وقتی که یک دور این سالن را مورد دیدن قرار می دهد آیا نگرشش در مورد تاریخ تغییر می کند؟

خیلی نظرشان عوض می شود. مدیر دبیرستان تجسمی دختران با من تماس گرفت و گفت بچه ها آن قدر که اصرار می کنند برای بازدید بیاورمشان دیگر مرا کلافه کرده اند. بچه های مدرسه خودمان هم اصرار کردند و گفتند با مدیر مان صحبت کنید با توجه به این که آنها ترم قبل تاریخ داشته اند و اکنون این درس را ندارند. ولی چون با استقبال بچه ها روبه رو شدم گفتم من تا ساعت ۵ و ۶ همان جا می مانم که اگر خواستید با اولیاءتان برای بازدید بیایید. حتی بچه های همین مدرسه که اول ما را تحویل نمی گرفتند به تدریج علاقه مند شدند و به کمک مان آمدند.

شما فکر می کنید اگر یک نمایشگاه دائمی مانند این جا برقرار شود چه مقدماتی احتیاج دارد؟ آیا شما این امر را ضروری می دانید؟ بله من فکر می کنم اگر یک جایی باشد که وسعت داشته باشد و دارای غرفه ها و دالان هایی باشد که بتوانیم اعماق تاریخ را در آن جا نمایش بدهیم، خیلی خوب است و من خودم حاضریم که به طور رایگان همکاری کنم. مانند نمایشگاه تاریخ اسلام منطقه ۱۴ که دائمی است و همواره با استقبال فراوان روبه رو است و برای بازدید از آن هم از بازدیدکنندگان پول می گیرند و هزینه آنجا را تأمین می کنند ما هم می توانیم چنین کاری را انجام دهیم.

آیا شما طرحی در ذهنتان دارید؟ بله. می توان از ابتدا تاریخ را با ماکت درست کنیم. ما در این نمایشگاه بودجه کافی نداشتیم و الا کار خیلی از این بهتر می شد. من تمام آلبوم ها را با بودجه شخصی خودم درست کردم و همه هزینه را خودم متقبل شدم.

من از شما و همچنین از تمام همکاران که به شما در دایر کردن این نمایشگاه کمک کردند تشکر می کنم و خسته نباشید می گویم. ما اکثراً در جلساتی که با دبیران تاریخ داریم و یا از آنها نامه ای دریافت می کنیم شکایت می کنند که بچه ها به این درس علاقه ندارند که خوب

این امر هم برمی گردد به شیوه دبیران و یا اشکالاتی که چه بسا خود کتاب دارد و همچنین کمبود وسایل و امکانات آموزشی، با این حال شما نشان دادید که می توان دانش آموزان را به این درس علاقه مند کرد.

به عنوان آخرین سؤال لطفاً توضیح دهید که هزینه تهیه وسایل موجود در نمایشگاه نظیر کتابها، ماکت ها، نوشته ها، تصاویرها و غیره چگونه تأمین شده است؟ کتابها مقداری از طریق گروههای